

مدارس و چالش‌های حضوری و غیرحضوری

محمد داوری

از فردا با حضوری شدن کلاسهای متوسطه اول همه مدارس و همه مقاطع موظف هستند شرایط برگزاری کلاسهای حضوری را در تمام نقاط کشور فراهم سازند و طبق دستورالعمل این بازگشایی مدارس باید با رعایت پروتکل‌های بهداشتی باشد که مهم‌ترین آنها بازگذاشتن در و پنجره‌های کلاسها، ماسک زدن دانش‌آموزان و تناسب فضا یعنی هر چهارمترمربع برای يك دانش‌آموز و حفظ فاصله فیزیکی است. اگر باور داریم که هنوز آمار مرگ و میر و ابتلا به بیماری کرونا جدی است و اگر این واقعیت دارد که هنوز نیمی از مردم واکسن نزده‌اند، باید در مورد بازگشایی مدارس این پرسش را مطرح کرد که آیا به سطحی از اطمینان رسیده‌ایم که می‌خواهیم 15 میلیون دانش‌آموز و يك میلیون فرهنگی را روانه مدارس کنیم که در واقع 16 میلیون خانواده را عملاً در معرض خطر و تهدید قرار دهیم؟! صرف‌نظر از بعد بهداشتی و تهدید سلامت بیش از 70 درصد جمعیت کشور، با حضوری شدن کلاسها مساله دیگر سردرگمی مدارس در نحوه برگزاری است، چراکه بیشتر مدارس پرجمعیت هستند و در صورتی که بخواهند دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت کنند باید کلاسها را تقسیم کنند و دانش‌آموزان هر کلاس به دو یا سه گروه تقسیم شوند که در این صورت باید یا معلم يك درس را سه نوبت تکرار کند یا به صورت فشرده هر جلسه سه درس را ارائه دهد یا اینکه همزمان هم حضوری باشد هم آنلاین یا برخط. لذا به نظر می‌رسد حضوری شدن کلاسها که با توجه به طولانی شدن آموزش غیرحضوری و تبعات منفی آن ضروری به نظر می‌رسد، اجرای آن به این سادگی نباشد. مثلاً در مناطق سردسیر چگونه با بازگذاشتن پنجره‌ها میشود کلاس برگزار کرد یا در کلاسی که کل مساحتش 40 متر نمیشود و باید 10 نفر را پذیرفت چگونه میشود از پذیرش 30 دانش‌آموز دیگر جلوگیری کرد؟

و از همه مهم‌تر کافی است در گوشه‌ای از کشور خبری شنیده شود که معلم یا دانش‌آموزی به دلیل رفتاری به کرونا فوت کرده است آیا میشود به سایر افراد گفت که به این خبر بی‌توجه باشند و احساس نگرانی نکنند؟! خلاصه اینکه حضوری شدن کلاسهای درس با چالش‌های بسیار جدی روبه‌رو است و حتی اگر همه چیز به حالت عادی برگردد

سازگار کردن دانش‌آموزانی که دو سال است از فضا و مقررات مدرسه دور بودند به این سادگی نیست و کلی زمان خواهد برد تا از نظر پوشش و آرایش با این سخت‌گیری‌هایی که صورت می‌گیرد دانش‌آموزان را متقاعد کرد که به عرف مدرسه تن بدهند. به نظر می‌رسد قبل از کشاندن دانش‌آموزان به مدارس يك دوره لازم است تا مدیران و پرسنل مدارس و معلمان و مربیان و والدین آمادگی انجام این کار مهم و گسترده را داشته باشند و نخستین مرحله آمادگی پذیرش ذهنی و روانی است که اگر يك ارزیابی صورت گیرد مشخص خواهد شد که این آمادگی تا حد زیادی وجود ندارد لذا بعید به نظر می‌رسد بشود کلاس‌های حضوری را بدون چالش برگزار نمود و شاید تبعات این دوگانگی‌ها و سردرگمی‌ها بسیار بیشتر از این باشد که کلاس‌ها فقط غیرحضوری باشد ضمن اینکه برای کل کشور و نزدیک به یکصد و ده هزار مدرسه نمی‌شود يك نسخه پیچید.

□□□□□□ □□□□ 1400 □□□□ 30 □□□□□□ □□□□□□□□:□□□□